

کیدنا ابوالفوارس شهریار^۱ در لاجیم بدست آمد و مزار دیگر هم در رسکت^۲ کشف شد چنانکه بدگرش خواهیم پرداخت، لکن نمیدانیم که این ابوالفوارس شهریار در سلسله بررگان دوده ناوردی چه رتبه‌ای داشته و چه نسبتی با شهریار بن دارا مقتول بدست قانوس و شمگیر و سرخاب بن شهریار و قارن بن سرخاب و حاتم الدوله شهریار بن قارن و سرسلسله شعبه دوم داشته است. همچنین از نسب امپهبد ابوجعفر بن محمد مدفون در رادکان هم خبری نداریم.

در اوقاتی که در لاجیم بودم دوست من افلاطون برج دیگر نشان داد که بلندتر و زیباتر از امامزاده عبدالله و در دو فرسنگ و بیسی لاجیم در قریه رسکت محله دو دانکه واقع است، من آنجا رفتم. راه خست از میان جنگل میگذرد، بعد در ارتفاع مسافت مکان کم درختی میرسد که پست و بلند هم کم دارد. در قعر و در دامنه پیه و ماهورهای آن مراتع وسیع و دهانت آباد بسیار دیده میشود که هر یک در یک دسته درخت محصور است. پس از طی دره طویلتری ندره وسیع تری رسیدیم که به ساری متصل میشود، آنجا سرایشی تندی دیدیم که برج موعود در آن نمایان بود (نصویر ۷۹ و ۸۰).

این برج هم بنائی آجری و مدور و دارای سقف مخروط است، قطر داخلش ۴/۵۷ متر است (نصویر ۸۱). طاقچه بلندی دارد که از دو جانب مقرنس آجری مرئی بناموش کچج بری بر آن تعبیه کرده‌اند، در زیر آن کتیبه زبانی بخط کوفی کچج بری شده که دو نلش از میان رفته است، نصویر ۸۲. قایای آنرا نشان میدهد، حروف کتیبه سفید در متن آن بر آنکه بود است این عبارت را میتوان خواند: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اللّٰهُ اَلصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ (سوره ۱۲۲).

۱ - ظاهر آلت کیا مخصوص در زمان ناوردی و امیلی بوده است.

۲ - رسکت در شرق زراب است و قریب چهار ساعت راه با آهنا فاصله دارد.

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ
(سورة ۲۱ آیه ۳۶) .

در بالای در کتیبه کجی دیگر است که همچنین خیلی خراب (نویس ۸۲) و مرکب از چهار سطر است، سه سطر اول و نصف سطر چهارم کوفی گلدار است شبیه به خط کتیبه بالا، نصف اخیر سطر چهارم خط پهلوی است

مش کوفی را محط عمودی دوبره کرده اند یکی عبارات قرآنی و دیگر مطالب تاریخی، خط عمود دیگری قسمت پهلوی را از کوفی جدا میکند.

قسمت اول از متن کوفی را میتوان چنین نقل کرد

« لا اله الا الله مخلصاً محمداً رسول الله صادقاً » .

چنانکه ملاحظه میشود شهادتین اسلامی است « لا اله الا الله محمداً رسول الله » در بیان عبارت لفظ مخلصاً را وارد کرده اند و در آخر آن کلمه صادقاً را جای داده اند، این دو کلمه در کتیبه ها معمول نبوده ولی در محاوره عادی ایرانیان رایج است و وقتی تکرار برده میشود که بخواهند صدیقی را عوگد نمایند، یکی از آنها از حلاوس قلب و دیگری از صدق قول حکایت میکنند، پس عبارت کتیبه چنین شروع میشود: « لا اله الا الله مخلصاً محمداً رسول الله صادقاً » .

قسمت تاریخی کتیبه چنین شروع میشود: هذه النقة . . . بعد از این دو کلمه چیزی توانستیم بخوانیم که رضایت بخش باشد، بعضی معتقدند که عبارت چنین است: « هذه النقة لهم رديار . . . » اما میتوان باور کرد که نام صاحب نقه را بدون القاب ذکر کرده باشند، غیر از این هم اشکالات دیگر هست، اما تاریخ لاتبمه ظاهراً در پایان عبارت کوفی حروف آخر کلمه مائه را میشود تمیز داد و جز آن چیزی بر جای نیست، حال اگر لفظ مقدم را شوال بدانیم فاصله میان شوال و حروف آخر مائه، قدری کم میشود که طبعاً باید آنرا از عمایه دانست زیرا که عدد دیگر حا میآورد، قراین قتی حکایت

۱ - علی این کتیبه را با همین عبارت در مسجد حنبله بغداد میتوان دید .

میکنند که ائمه یا خمسمائه هم نتواند بود، بنابر این ممکن است اربعمائه باشد.
چون این دناى قریه در سکت از لحاظ معماری با برج های رادکان غربی و لاجیم
هم عصر است و در همان ناحیه و جزء همان دسته اندیه قرار گرفته است و از جمله
همان ساختمان های اسلامی است که دارای کتیبه پهلوی هستند پس محققاً مثل دو
مرج سابق الذکر قبر یکی از ملوک باوندی باید باشد که از قاموس بن وشمگیر گرفته
و در فاصله ۳۹۷ و ۴۶۶ هجری در کوهستان بسر میبردند.

آندره شادان

تکمله راجع بمرآت مراغه

هنگامی که در سال ۱۹۳۴ به پاریس رفتم توفیق یافتیم که در انجمن تبتیات آثار ایرانی ششمی از انبیه قدیمه مراغه میان کنم و از آنجا که مقام ایجاز بود راه اختصار پیموده و سخن را امیرانی به در خور مجلس خطابه است کوتاه کردم، بجای تفصیلات فنی تاریخچه موجزی از دره صنعتی ایران که زمان طلوع و توسعه نقوش کاشی در معماری آذربایجان است و همین انبیه مراغه یادگار و نمونه آن شمار است بیان کردم اکنون باید در اینجا بتفصیل و تکمیل آن بهادات موجز پرداخته و چند بنای معتبر را در آن میان مشروح تر ذکر کنم

گنبد سرخ^۲

گنبد سرخ که در افواه مردم آذربایجان به گنبد قرمز معروف است از میان پنج بقعه مراغه قدیمتر شمار است؛ شائلی مرئع است و گنبدی مقرنس دارد که هنوز باقی است. در سال ۱۸۳۳ در سالع ایام سقنی بشکل هرم مثنی داشته که جز قسمت سفالی آن چیزی بر جای نیست (نصوب ۸۳)؛ این بقعه هر گنگ است از اطافی که بر سنگوی بلندتری قرار دارد در میان سنگو دخمه ای ساخته اند که پایه های طاق آن از جایی بر دیوار تکیه دارد و از طرفی بر ستون مرئعی که در وسط دخمه نصب کرده اند ایستاده است (نصوب

۱. ابیه مراغه از انتشارات انجمن تشع آثار ایرانی سرة ۲ پاریس (۱. لرو ۱۹۳۴ E. Leroux).
 ۲. در ۱۶ ژانویه ۱۹۳۶ (۱۵ دیماه ۱۳۱۰) در فهرست آثار تاریخی به ثبت رسید، مراجع تعقیب ژ. دومرگان (J. de Morgan) سر علمی ایران مطالعات خرافیائی جلد اول ص ۳۴۷.
 ژ. موریه (J. Monier) سر دوم به ایران ترجمه مراغه ۱۸۱۸ جلد دوم ص ۱۸۷.
 و. مینورسکی (V. Minorsky) دایرة المعارف اسلامی مقاله راجع به مراغه.

۸۴ و ۸۵) این دخمه بهیچ وجه با اطاق بالا راهی ندارد. در آن از بیرونی بجانب مشرق بار میشود (تصویر ۸۶) جلوه‌خان بقعه سمت شمال است پنج پله در مقدمه آن واقع و پله شش و هفت جزء آستانه در گناه محسوب میشود. بطر نامش حکام بنا بواسطه ستونهای روایا تمام جلوه‌خان مثل این است که قاب در گناه باشد، تصویر ۸۸ این بیان را روشن میکند.

در گناه در زیر طاقی خیلی متناسب قرار دارد و در فرار آن بدنه پر نقش و نگاری است که اطرافش را يك کتیبه کوفی احاطه نموده است در بالای هلال در گناه کتیبه کوفی دیگری است (تصویر ۸۹).

هر يك از اضلاع پهلوئی بقعه و پشت آن دارای دو طاق نما و حاشیه کتیبه داری است. چهار زورق در اطراف بار میشود که از داخل چون نگاه کنیم در ریشه کتیبه واقع است و از خارج چون بشکریم در چهار جهت دایره قرار گرفته است که سقف را بر آن افراشته بودمانند چند روزن دیگر هم بعد کشیده‌اند و کتیبه‌های صلح عربی و شرقی را سوراخ کرده‌اند لکن این در بچه‌ها مربوط بساحتمان نخستین بقعه بدست.

سنگ را از سنگ ترانس بالا آورده‌اند سرستونهای زوایا و همچنین سرستونهای کوچکی که در هر صلح بقعه تکیه گاه طاق نماها محسوب میشود از سنگ است، ناخی نما از آجر ساده میباشد که در کمال مهارت چیده شده. در بیان زمینه سرخ رنگ آجر نقاط کاشی بیرونی هم نکار برده‌اند، اما خطوط که از آجر سرخ تراشیده‌اند و همچنین نقوش هندسی که از آجر و کاشی در بالای در گناه ساخته‌اند بر روی زمینه‌ای از گچ قرار دارد که سابقاً سفید بوده و فعلاً رنگ خاکستری گرفته است، گل و برگ بسیاری هم در آن گچ بریده‌اند که هنوز آثار رنگ آمیزی آن آشکار است.

درش اطاق اصلی بقعه همور ناخی و مرگب از قطعات مستطیل سنگ است چنانکه از رسمی که ساخته‌ام نمایان است (تصویر ۸۴).

دیوار داخل بقعه را گچ اندود کرده‌اند و بهیچ وجه اثری از نقش یا کسندگی کاری بر آن دیده نمیشود، همان از تزیینات معماری که در سه صلح از چهار صلح خارجی منظر

زیرا که القاب و نام صاحب گنبد و پدر و جد او را عیناً و مسلم است که بنا در زمان حیات عبدالعزیز ساخته شده است. سال ۱۲۰۴ و روز انجام ساختمان را بنویسند عیناً
آنما معلوم نیست که عبدالعزیز بن محمود بن سعد که او را قوام آذربایجان یعنی رئیس
آذربایجان خوانده اند کیست ؟

ظاهراً این لقب و زمان شادالالتا دارد که مقصود یکی از افراد دودمان احمدیلی
است که در مراغه سلطنت میکرده اند و پیوسته مدعی حق تسلط بر تبریز هم
بوده اند .

آنما هر چند راجع باین دودمان اطلاعات کافی هنوز جمع نشده است اینقدر
مسلّم است که در ۵۴۴ رئیس این خاندان که بزرگ مراغه بوده آق سنقر ثانی نام داشته
و البته این مقام را پس از مرگ پدرش احراز کرده بوده است. پدر او آق سنقر اول در
۵۴۷ در همدان دست اسمعیلیان گشته شد و بر میخاست که آق سنقر ثانی تا ۵۶۴
در حکومت مراغه باقی ماند و در این سال اتفاقاً بهلوان پسر ایلدگر مراغه را برادران
حود علاء الدین و رکن الدین تفویض نموده است امع هذا ممکن است که در این زمان
قدرت حکمرانی تقسیم یافته و با وجود حکام مذکور یکی از امرای دودمان احمدیلی
هم بنام ریاست یک خانواده در گدازای عنوان قوام آذربایجان بوده باشد؛ لکن برای
اثبات این فرض وسیله در دست نداریم و همین جهت گنبد سرخ را با وجود کتب
حواثی که دارد نباید عمالاً مراد شخص مجهولی شمرد .

مراد و در مجاور گنبد سرخ

دو مین بقعه که از حیث تاریخ بعد از گنبد سرخ باید ذکر شود برج مدوری است
که به گنبد دارد به سقف و تکلی صاحب آن نامعلوم است و من اینجا بیش از آنچه
در پاریس راجع آن گفته ام چیزی نمیتوانم بگویم .

۱ - احمد یل بن ابراهیم بن وهسودان الروادی ذکر کردی مؤسس سلطنت احمدی نوه و هسودان
بن مهلان معروفترین شخص این افراد روادی بوده است که پس از اضراف خاندان دیشیان منافعهای
آذربایجان شدند (. . . میورسکی . دایرة المعارف اسلامى مقاله مراغه) .

اهمیت این برج در این است که به‌صورتی از ترقی نژادینات کاشی در محدث قلبی که فاصله میان ساختمان گنبد سرخ و این برج است حکایت میکنند.

این برج هم مثل چهار مراد دیگر از آجر ساخته شده و در بالای سنگومی بلند و دحمه عمیق قرار دارد، اما ظاهر آن شبیه به روح‌دوایی کوفه‌ها و بی‌رینتی است و در داخل آن فقط نژادینات پرکاری نظیر جبهه زرنگ گنبد، سرخ ساخته‌اند (تصویر ۹۳) و مثل گنبد سرخ دارای قاب و هلالی است که در گاه را محصور داشته و در بالای درگاه این برج هم کتیبه‌ای بخط کوفی است چنانکه در زیر هلال در هم کتیبه دیگری دیده میشود. اما نقش و ریخت معماری که در گنبد سرخ نهایت کمال و پرکاری رسیده بود در این جا ساده شده و نقوشی که در آن گنبد برجستگی دارد در این برج مسطح و شبیه نقش قالی است. آجرهای مهر دار که علائمی روی آنها قاب‌گیری شده دیده میشود، فن زرنگ آمدنی که در نژادینات گنبد سرخ مقام شایسته ندارد در این برج کاملاً بجای خود افتاده است.

حروف کتیبه‌ها و نقوش پیچیده که در بالای آن ساخته‌اند از کاشی فیروزه‌فام است، صورت کتیبه فوقانی (تصویر ۹۴) چنین است:

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ تَمَّ الْبَيْتُ بِرَحْبِ «

کتبه در کتیبه نعتی است (تصویر ۹۵).

« سَتَةٌ نَلَتْ وَ سَتَّيْنِ وَ خَمْسَ مَائَةٍ »

گنبد کبود

گنبد کبود (تصویر ۹۶) را قمر مادر هولاکو خان گفته‌اند و عملاً هم آنها را

۱- در ۱۶ ژانویه ۱۹۲۲ (۱۵ دی ۱۳۱۰) در فهرست آثار تاریخی نت شد.
 مباح: ژ. دومرگان، سفر به ایران، معالجات میراثی، جلد اول، ص ۳۲۷، نقشه ۳۷
 ف. رار (Deoknuter persische Baukunst)، ص ۱۵، تصویر ۱۰.
 و. دیورسکی، دایرة المعارف اسلامی، مقاله مرافه.

مابین نام می‌شناسند؛ در کتابچه چاپ پاریس اظهار کردم که بنظر من هیچ ربطی بخانواده آن جهاکشای مغولی ندارد و در این جا دلایل خود را باختصار ذکر میکنم :

این بنا از خارج و داخل مرزین، مخلوطی است که اکثر نگلی ضایع و معوض شده و ظاهراً آیات قرآنی بوده اند مگر یکی که حدس میردم شامل تاریخ نما و نام صاحب بقعه یا نامی آن باشد ولی، عموماً اظهار نمودم که نگلی از میان رفته است .

کتیبه ای که در داخل بنا در زیر گنبد واقع و بدور بقعه میباید با خطوط مسخ در حاشیه پهن از کج بریده شده و عبارت است از قسمتی از آیه اول سوره ۶۷ قرآن (تصویر ۹۶) . در دیوار دخمه بدنه سنگی کار گذاشته شده که ظاهراً سنگ فر روی آن نصب بوده ولی عملاً آن سنگ از میان رفته است . نقوش بسیار زیبا و آیه ذیل که عاده در اکثر قبور مسلمانان دیده میشود بر این سنگ حکاکی شده است .

« كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا قَاتٌ وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ »

(آیه ۲۶ و ۲۷ سوره ۵۵) .

مادر هولاکو سوپور کوکشتی خاتون مسیحی بود و همین نامی است که انساب ابن قیمر اسلامی را از او سلب کنند . همواره هولاکو خان بودایی بود و در قوز خاتون مسیحیه بود زان کتبش را در حباله نکاح داشت^۱ و در این باب رشیدالدین گوید :
 « دو قوز خاتون از استخوان زرگ کرایت دختر ایقویس اردک خان و چون خاتون پدر بوده از دیگر حوائس بزرگ تر بوده اگر چه بعضی را از او بیشتر خواسته و او را بعد از آنک از آب آویزه گذشت سندنولوی خان ماور سیده بود و اعتبار تمام داشته و نهایت حاکمه بوده و بجهت آن که اقوام کرایت در اصل عیسوی اند همواره تقویت ترسایان کردی و آن طایفه در عهد او قوی حال شدند و هولاکو خان مراعات خاطر او را نریخت و اعزاز آن طایفه فرمودی تا عایت که در نعامت همالک کلیسیا محدث ساختند و بر در او در دو قوز خاتون همواره کلیسیا برده و باقی رسیدی و وفات او بعد از وفات هولاکو خان

۱-۱ . نورامور، شماره ۱ ، تاریخ ۱ . . ص ۲۴۳ با نداشت ۱ .

۲ - رشیدالدین ، تاریخ مولان ایران چاپ کاترمر ص ۹۵

بود بچهار ماه و یازده روز پیشتر از جلوس اباخان .

آباهولا کوخان که پسر یک مسیحی و شوهر یک مسیحی بود و «ترکان سغوری مذهب را از آسیای مرکزی بچنگ اسلام کشاید»^۱ و اراغنه او را قسطنطین جدید و امپد و ملحقاً قوم ارمنی و مشعل دین و حامی مذهب میخواندند ، ممکن است قبر مادر خود را با آیات قرآنی زیست دهد .

آبا ممکن است جانشین هولاً کو یعنی پسرش آباقا این کار را کرده باشد ؛ البته به ریرا که او هم بودائی مذهب و شوهر مریم دختر امپراطور «بکائیل پائولو کوس بود و با روحانیون سغوری از قبیل ماریمهلاها و زبان سوما دوستی داشت و همان سیاست دینی پدر را تعقیب میکرد .

پس باید همانطور که قبر کوروس کیرادریاراز گاد مشهد مادر سلیمان میدایم گم کند که در ابر در مراغه آرامگاه مادر هولاً کو شناسیم ایران همیشه میل داشته است که حالات و خاطرات خود را بجائی و چیزی نسبت داده تثبیت کند .

نمان این قبر مسسوب «مادر هولاً کو بزرگوار میجهول است و چنانچه در کتابچه سابق الذکر اظهار کرده ام بمقیده من اصلاً از دوره مغول بدست ریرا که تعبد مینماید در پانصحت هولاً کو و فرار گناه دوقوز خوانتون که هرگز مخالفت با اسلام بوده اجازت داده باشند که قبر یکی از بزرگان «مسلمان را با این جلال و شکوه سازند» همین جهت در عهد سایر خوانین مغول هم این کار مظهر مرید میآید مگر از دوره اباخان هفتم یعنی عاران بعد که گرویدن او به اسلام علامت تقوی نام مسلمانان و شکست سیاست دیانتی جهادگشایان مغول محسوب میشود .

«این ملاحظه زمان نمای گم کند که در دو حال خارج بدست یا قبل از استقرار هولاً کو در مراغه بوده یا در عهد عاران جان ا ما شق ای درست بدست ریرا که ما اسك تربیانات معماری دوره عارای توسط حراجه های شب (ترییر) اطلاع کافی

۱ - ر . گروسه تاریخ آسیا ، جلد سوم ص ۱۰۰ .

داریم و آنچه باقی است در کمال و صوح ترقی این صنعت را بطوری نشان میدهد که ما را نسبت با طرز تزئینات گنبد کبود نیست .

بنابر این شق^۱ اول قوت میگیرد که آن بنا را از دره قبل از هولاکو بداییم و چنانکه سابقاً نوشته ام تاریخ بنای آن باید بعد از تاریخ بنای بقعه مؤمنه حائون در بخجوان باشد^۲ زیرا که گنبد کبود را از روی آن ساخته اند و نیز باید پس از استقرار هولاکو خان در مراغه باشد، مبارزه آخری گنبد کبود را در فاصله سالهای ۶۵۶ تا ۶۵۸ هجری ساخته اند .

امروز که نگارنده از سفر آذربایجان باز آمده و بواسطه داشتن اسباب کاربتری موفق بخواندن کتیبه سر در شده ام توضیح بیشتری میتوانم بدهم (تصویر ۹۸)

در طرحی که این جا درج میکنم فی الواقع چیزی مختصری دیده میشود، پاره هائی از حروف کاشی پیداست که رنگ سیاه نموده شده اما از روی آن آثار میتوان تاریخ بنای آن که ۵۹۳ است تمیز داد (تصویر ۹۹)

بنابر این گنبد کبود از بقعه مؤمنه خوانون که سر مشق معماری آن بوده فقط ده سال جوان تر است^۳ این گنبد هم مثل آن بقعه در یکی کثیر الاضلاع و بلند است، هر ضلعش را طاق بنای مسطحی گرفته است که در بالای آن سه ردیف مقرنس ساخته اند^۴ . کاشی فقط رنگ پیروزه است و یکسان در اطراف همه دیوارها نصب کرده اند .

با وجود شانهائی که گنبد کبود به بقعه بخجوان دارد از بسیاری جهات تا سایر مقابر مراغه تشابه را حفظ کرده است منجمه از این جهت که دارای اطاق بلندی است که از روی سنگوی سنگی قرار دارد و در زیر آن دخمه ساخته اند

۱ - ایلدگر تاتک آذربایجان مؤسسه خاتون دختر اکتوبر صاحب خلاص را که سابقاً در سلطان طغرل بن معتد بود بعد از نکاح خود در آورد (ا. دورامور شماره تاریخ ص ۲۳۱) سایر روایات این آئین هر دو در همدان سال ۵۶۸ (۱۱۲۲-۲) و هات پارس دولت شاه هم تأیید میکند که ایلدگر و روحه اش در همدان مدفون شده اند (دائرة المعارف اسلام مقاله ایلدگر) .

۲ - مقرنس ۱۵ می گنبد کبود از خلاف آنچه در پاریس گفته ام گنج بری نیست بلکه از آخر میباشد .

گنبد عقاریه ۱

چهارمین مزار عراق، موسوم به گنبد عقاریه و وجه تسمیه اش همچواری نامدرسه نسبتاً جدیدی بنام مدرسه عقاریه. تاریخ این مزار ده سال قبل از بنای گنبد سلطان العجابتو خدا بنده است، از آن جا که در همان بنای این گنبد بیشتر توجه معماران معطوف استخوان مندی بناوده است تا اثر ثیمات طاهری. میتوان گنبد عقاریه را شبیه تریه گنبد سرخ دانست، تازه گنبد نبود زیرا که در گنبد سرخ بیشتر رعایت محکم کاری شده است.

این گنبد بنائی است مربع آجری که در بالای سگویی سنگی و دحبه عمیق استوار است، چهار زائره این را توسطه متوجهائی با نقوش لوزی پنج ساخته اند. جلوخان بزرگ متوجه شمال و عرص اطاق زیر بجانب شرق است، هر يك از اضلاع جنبین و عقب دارای دو طاق نما و يك حاشیه مکتوب است. در جلو خان بزرگ يك طاق نمائی مرکزی، بر سر در ساخته اند که در بالای آن دو سطر کتیبه دیده میشود، در زیر هلال نوشته دیگری است (تصویر ۱۰۰).

از این شرح معلوم شد که روی هم رفته ساختمان این بنا بطور گنبد سرخ است، اما وجود این بسیار ممکن است، که نه تنها از داخل بلکه از خارج هم سابقاً گنبدی داشته است، از خیلی جهات در این بنا ترقی و تنوع معماری مشهود است. مثلاً از سه گنبدی که ذکر کردیم دو گنبد اول منحصرأ دارای حط کوفی بود و در گنبد اول حط کوفی را در بیرون و حط مدور ریحان را در داخل بکار برده بودند، اما در گنبد عقاری تمام خطوط ریحان است. کاشی جلون که در گنبد سرخ مقدار خیلی بکار رفته و یکدست و پروره رنگ است در این گنبد مقدار بسیاری کار شده و الوان سفید و سبز و آبی دریائی را با رنگ آسمانی مخلوط ساخته اند. حروف کتیبه ها ساه و متن

۱ - در ۶ ژانویه ۱۹۲۲ (۱۵ دی ۱۳۱۰) در هیئت آثار تاریخی مت شد.
منابع: ژ. دومرگان، مسافرت ایران، مطالعات سراسری، جلد اول ص ۳۲۷، سپهر ۱۸۸
ف. زاره تاریخ معماری ایران

دیوار سفید و دارای شاح و برگ فیروزه نام است. صلیح های پهلوی و عقب بنا بجای اینکه مثل گنبد سرخ بی وزنه و کور باشند هر يك دو پنجره دارد که در طاق نماها واقع هستند و همه پنجره ها در میان قنات مستطیلی که روی آن نقش و نگار زمائی از سر و کاشی دارد واقع گردیده اند (تصویر ۱۰۱).

در بالای هلال هر يك از طاق نماها حاشیه ای هست دارای سه شکل مدور که علامت مخصوص صاحب گنبد در آن دوایر نقش شده است. حجره بزرگ را از کعبه اندود کرده اند و اثری از رنگ و نقش در آن دیده میشود. فریدن داخلی منحصر به نقاشی های وسیع قرمز است. کتیبه سه سطری که در بالای هلال مرکزی جلوه خان مزرک است با اینکه ریخته و معوض شده قابل قرائت است از این قرار

« أمر بأشياء هذه الفئة المباركة في أيام مولانا السلطان الاعظم ظل الله في الارض »
 « سلطان سلاطین العرب و العمیم ابوسعید بها در خان خلد الله ملکة » .

از کتیبه دو سطری بالای درگاه چیز مختصری باقی است و از آن حدس زده میشود که القاب و نام صاحب بقعه در آن ثبت بوده است (تصویر ۱۰۲) فقط این جمله قابل خواندن است

« المهر الش المالکی العالی » .
 « العادلی » .

بنا بر این گنبد عقاریه هم مقبره مجهولی است و آنرا چون بطوریکه اشاره شد در بالای هلال هر طاق نمائی از اصابع دو پهلوی و عقب سه علامت دیده میشود و هر علامت عبارت اردوچوکان است که پشت بهم دارند (تصویر ۱۰۳) میتوان حدسی زد این علامتی است سمة معروف^۱ نظارش را در یکی از انبیه بیت المقدس یعنی مدرسة المدائنه^۲ و در روی چراهی مینا کاری در دوره اسلامول دیده اند این چراغ علاوه بر علامت مذکور، اسم ایک ممالک چوکاندار را هم دارد^۳ بدیهی است

۱ - وان مرجع ت ی ؛ شهر بیت المقدس صفة ۲۶۸ .
 ۲ - چوکاندار لقب شعبی بوده که چوکان و کوی پادشاه را داشته است .

که گنبد غقاریه مربوط به ایل ملک بیست که در ۷۴۷ در قاهره مرده است^۱ (لکن در همین شهر مدرسه قرا سنقریه را شخص دیگری از دودمان چوگاندار ساخته است و او مای بسیاری از عمارات مصر و شام است. این شخص اراخهء مماليك و موسوم به شمس الدین قرا سنقر الچرکسی المصوری است و صاحب گنبد غقاریه باید باشد^۲ ترجمه احوال عمیب او را تمصیل مقربزی و ابن بطوطه ذکر کرده اند^۳.

قرا سنقر غلامی بود از مماليك که قلاوون پیش از رسیدن سلطنت او را خریده و منصب چوگانداری داده بود. در زمان پادشاهی لاچین نائب السلطنة مصر شد و هنگامی که محمد بن قلاوون دار سوّم پادشاهی یافت قرا سنقر نائب السلطنة شام شد و تا ۷۹۹ هجری (۱۳۹۱) در این شغل باقی بود و در این سال گریخته به ایامخان مغول پناه برد و الجایتو مراغه را تیول او کرد و در این شهر در ۲۷ شوال ۷۲۸ (۱۴ سپتامبر ۱۳۲۸) در زمان سلطان ابوسعید بهادر خان در رود رندکالی گفت^۴.

در يك كار واسرای زیبایی که از عهد مغول در سرچم باقی است ریزه کاریهایی با سلوب شامی دیده میشود. سرچم در ۸۰ کیلومتری ریجان است و چون از راه جدید برویم در میان این شهر و میابج واقع شده است، بطور قطع نمیتوان گفت که ارتباطی میان این آثار شامی با حضور آق سنقر در ایران بوده است بانه ولی از آنجا که سلطان ابوسعید بسیار عیب داشته است که وسایل آسایش و سرعت سفر را در مملکت خود فراهم آورد و میدهد بیست که از وجود آق سنقر که شخصی قدری و دوستدار سائلی بوده استفاده کرده و اینکار را بر عهده او نهاده باشد. این امر معلوم است که الجایتو خداننده هم برای تأمین آتیه یا نخت خود سلطانبه آرزو داشت که راهها و کاروا سراهای خوب در اطراف تهیه کنند.

۱ - م. وان برحم ت. ی. ا. مصر ص ۱۵۵.

۲ - مقریری حلد تالی ص ۳۸۸. ابن بطوطه حلد اول از ص ۱۶۷ تا ۱۷۲ هجری و حوم شود مکات ل. ا. میر سارا بیبک هر القری ص ۱۸۳.

۳ - علام فوق درست ما منصب چوگاندار است دارد در آن که هر يك دو چوگان را نشان میدهد. قیر مینویسد که در خارج ایران عجمه بوده از این علامت دیده است.

۴ - هاورث تاریخ مغول حلد سوّم ص ۵۶۴.

من در مقاله دیگر بیان کرده‌ام که چون سلطانیته در اکثر ایام سال گرفتار
برودت هوا و کمبایی آب است و آبادی او طبیعی نبوده بلکه بسبب سلطانی در سر راه
منحصراً بر روی و در فاصله دو شهر آباد و مرکز تجارتی قدیم یعنی تبریز و قزوین
ساخته شده است از این سبب دوام نیافته و بناقول پیترو دلاوال مکان نامناسب سلطانیته
مهمترین سبب ویرانی او است

الحاقیتو از این عیب که موجب فقر و ضعف پانصدت بوده استحصار داشت، غلبت
کوشی است که صحران داده و علی رغم موانع طبیعی سلطانیته را مرکز مهم تجارت
ممالک نموده و همهٔ مصنوعات ایران و متاع چین و کالای هند را در انبارهای این
شهر مجتمع میساخت تا از آنجا بممالک مغرب زمین حمل نمایند و در اثر این حساسی
داروهای سلطانیته بر روی شهرهٔ آفاق شد و در آنجا امتعهٔ اقلیم روی زمین بدست میآید
و بیرون مخصوصاً در موسم بارانهای عمومی تابستان نازدگانان فرنگ از هر قوم و ملتی
در سلطانیته حاضر میشدند تا تجارت زن و سوداگران و بیرون در این شهر اقامت دائمی داشتند
و شخص و مال و عقیده و رسوم و آداب آنان کاملاً آباد و صون از هرگونه تعرضی بود.
راههای نزدیک کاروانی که از کاشان و یزد و کرمان گذشته به هر موزه میرسید یا از
ری و بلخ به جانب آسیای مرکزی میرفت دارای مستحطین مخصوص بود که دائماً در
ملول طریق آمد و شد داشتند و اندکی از مراقبت عدالت میوروریدند. در عهد اوسهید
عدهٔ این افواج راهبان به ۱۴۰۰۰ تن میرسید. در این دوره امنیت راهها کامل بود
اگر راه کاروانی رده میشد به فقط مراکتیب بلکه مردم نقطه‌ای که این راه روی رح
داده بود سختی سیاست میشدند

آبادی و عمران تجارتی سلطانیته در واقع در اکثرین مقصود و یا یکی از مهمترین
مقاصد دینی این شهر و مرزها او بوده است.

سرچم که در کنار رحان رود واقع شده یکی از ممالک مهمهٔ این سلطانیته و در برابر
بشمار میآید. بنا بر قول حمدالله مستوفی از این مکان راهی ارسمت بسیار راه بر رفت

و راهی از سمت یمن به میانه و تیسری می‌روست^۱. دو کاروانسرا در آنجا ساخته بودند یکی ناصر وزیر ابوسعید خواجه غیاث الدین امیر محمد رشیدی^۲ در ۱۰۳۰ هجری قمری و جلال الدین^۳ برادر وزیر که از آن اثری باقی نیست ولی از کاروانسرای اوّل بعضی قسمت‌ها برجای است منجمه در واره^۴ آنست که تاریخ انجام بنا را در ۷۳۳ هجری قمری (۱۳۳۲-۳۳) نشان میدهد. امیر قراقرم در ۷۲۸ و فات یافته و جای تمسک است که در ساختمان این کاروانسرا دهائلی داشته باشد ولی محتمل است که این کاروانسرا جزئی بگذشته بناهائلی باشد که قبل از آن ساخته‌اند.

نکته این فرضی است^۵ ولی چون برابر در واره خراب کاروانسرای سرچم رسیده بی اختیار بباد قراقرم و علائم مماليك که در روی مقبره اوست افتاده^۶ شاید هم اشتباه کرده‌ام که دست او را در بنای این کاروانسرا داخل دانسته‌ام.

کاروانسرای سرچم مثل اکثر بناهائی نظیر آن مرگس از حیاطی مربع است که پیرامونش را ساختمان کرده و ایوانها را وسیع در وسط هر ضلعش قرار داده‌اند فقط قسمتهائی که از کاروانسرا برپای مانده است این چند ایوان و دروازه است که با تعداد یکی از ایوانها اجزای رودخانه نازده بشود. نکته بنا که آثار اطراف های بسیار زیبایی در آن میان پیدا است بدست اهالی محلی حراب شده و مصالح آنرا کهنه در خانه های شخصی خود نگارده‌اند فعلاً اطلال حرابه است که نظر بکثرت حجرات و پیچیدگی ساختمانهای عالی آنست که بخواند هیئت نخستین آنرا پیدا کند بر حمت فوق آماده دوچار میشود زیرا که این کاروانسرا مکانی بسیار عالی و مخصوص مسافرین بلند مرتبه بوده و خیلی پیش از احتیاج ملک کاروانسرای عادی ساختمان داشته است و در عهده و یه هم تغییرات بسیار در آن رخ داده. از دیوار محوطه خارج چیزی باقی نیست تمام مصالح آنرا رده‌اند ولی ترس از افتادن بنا و هلاکت سلعجات حوشه خرابه موجب شده است که در بخش در واره بزرگ احتیاطات اجرا آورند و از بران کردن قسمتی صرف نظر نمایند همین ترس و فتن است که گنبد قابوس را با وجود شهرت کمیجی که در آن بهمان است

۱ - حمد الله بسوی رخت القلوب و ریحانه اب ریح سیدنا اشارات اودهی ص ۱۷۴ .

۲ - دون تاریخ ادبای این در دوره سلطه مغول ص ۵۶ - ۵۹ .

هنوز نگاهداشته و طاق بزرگ طبسفون را که دیده مسلمانان اوایل را خیره میکرد
و سایر اندیشه قدیم را از خرابی حفظ کرده است.

بقایای این کاروا سراسر امروز هم یکی از زیباترین نمونه های معماری ایران است
محسوب میشود.

تناسب استوار اما و طاق بزرگ بنا افتاده آن و مقرنس کاری سقف همه نشانه
سنت حالص ایرانی است؛ زیرا که مخصوصاً مقرنس ها را در حین بنای طاق ساخته اند
نه اینکه مثل عمارات بعد با طاق و ریبهر طاق بسته باشند

فقط چیزی که مربوط به ایران نیست و شاید سلیقه فرانسوزر ممالوک در آن نفوذی
داشته است حاشیه سنگی ابره رنگی است که در زیر طاق ها روی کتیبه بزرگ قرار
داده اند طاق دروازه و طرر قرار دادن کلیدطاق^۱ و اسلوب حاشیه که در بالای کلید گرم
مبغورد و کتیبه را احاطه مینماید اوسیک معماری ایران خارج و واضح و آشکار است
که شخصی از ممالک غرب آمده و بدستور او این بنا را ساخته اند و نیز معلوم است که
این طاق شامی در طاق ایران درست ایفاده و در فرار دادن کلید مهارتی نگار برفته است؛
لکن با وجود این مواقع حاشیه سنگ ابره قام و بدنه مرمر سفیدی که بر بنا افزوده اند
یک قوت و نوعی تازن بخشیده است که بناهای آجری فاقد آن هستند.

کتیبه ای که با خط ثلث بسیار زیبا نوشته شده اسم پادشاه عهد و وزیر او و از بیخ
احتم کار را نشان میدهد (تصویر ۱۰۰)

• من فاضل صدقات السلطان الأعظم علاءالدولة والدين أوسعید بهادرخان
• حمدالله سلطانہ و أجل شاه و هذا الرباط •

• المحمدوم الأعظم سلطان الورداء في العالم عیاش الحق والدين محمد أعرالله
• أعمار دولته في سنة ثلاث و ثلاثين و سعمائة •

در این عمارت لفظ فی هذا الرباط شطر غرب و ای معنی می آید و ای باید بخاطر

۱ - کلید طاق سنگ گوشه داری است که در مرکز طاق ها قرار میدهد و استواری طاق سه مان
است در حال اروپایی آمده است که علق کلید طاق مکتب است (مرحم).

آورد که در لفظ رباط ابهامی ندیدیم است چنانکه در لسان شاعران ایران بسیار متداول است^۱ . ختام گوید:

این کهنه رباط را که عالم نام است آرامگه ابلق صبح و شام است
کاشی است که منرا که سد جمشید است قصری است که وامانده صد بهرام است

قوی برج^۲

قوی برج که پنجمین مزار بزرگ مراغه و آخرین آنهاست امروز جزو مراغه ای بیست^۳ ، برجی مدور شایه به نمایی است که در نزدیکی گنبد کبود واقع شده اما قاعته بلندتر دارد.

یك قسمت الحاقی مستطیلی مان افروده شده که دارای نقش و نگار بسیار است و تمام این جلوخان بمنزله قابی است بر روی درگاه بزرگ .

به از طاقچه بالای^۴ نه از سقف مخروطی یا گنبدی که شمارا مدیوشانده اثری برجای بیست . از کتیبه فوقانی چیزی که قابل خواندن باشد مانده است و نیز از کتیبه روی درهم اثری دیده نمیشود .

این برج هم مثل سایر مقابر مرگ است از اطاق گنبد داری و دحمه ای که در میان سنگوی سنگی بلندی جای گرفته است .

رینت خارجی دیوارها عبارت از نقوش مرگ لوری شکلی است از آجر که خطوط اصلی آنها سمت امتن صاف دیوار قدیمی برجستگی دارد . تزیینات مدخل (تصویر ۱۰۶) که تمام ار کچ است و آن را با کاشی بسیار^۵ خرد مشت کرده اند کاملاً مخالف تزیینات دوسته نمای سابق است و نشان میدهد که قوی برج از نمای صانع قدیمی جوان ار است^۶ ، طاهرأ باید بنا بر فرض ف . زاده ناریخ آن را در^۷ دوم قرن هشتم هجری دانست .

۱ - کیلودآبه و مرورا مجتهدان ، ۱۴۴ ، ریعی نو عبد رحیم دهی ۱۲ و ۱۱۳ .

۲ - در ۶ ژانویه ۱۹۳۲ (۱۵ دی ۱۳۱۰) در فهرست آثار تاریخی ثبت شد .

منبع : ر . دومرگان ، سعادت ایران ، اطلاعات صراعیالی سلطه ازل من ۳۳۷ ، تصویر ۱۸۹ .

ف . زاده تاریخ معنوی ایران من ۱۶ .

نامار این تهنیل سه هزار از پنج مزار مراغه یعنی گنبد سرخ و گنبد کبود و مقبره مدور مجاور آن پیش از دوره مغول و یکی از آنها یعنی گنبد عثاریه در عهد مول و قوی برج در عصر آمد از مغول ساخته شده است
ضمیمه :

شاید خالی از نفع باشد که بنگ مقبره دیگری را هم که در همین ناحیه از ابران یعنی در اورمیه (رصاصیه) واقع شده و موسوم بدسه گنبد است (تصویر ۷ + ۶) نامزارت مراغه مقایسه کنیم.

این مقبره با سلوب گنبد های مراغه مرگب از سنگوئی سنگی بلندی است حاوی دخمه ای که در بالای آن بنای آجری بر آورده اند که شامل اطاق مقبره است و داخل آن مثل بقعه مدور مراغه و قوی برج محاط در بنگ قاب یرفتن و نگاری است که در بقعه استوانه شکل برج تعبیه یافته است (تصویر ۸ + ۶) در گانه ورود در میان طاق های مسطحی واقع شده که قاب مستطیل سابق الذکر بر آن احاطه دارد

پس چیز تازه قابل ذکری در این بنای اورمیه دیده نمیشود، اما چرا آبراسه گنبد و حیوانات در بالای دخمه و اطاق مقبره اثر دو گنبد پیش نمایان نیست آیا باید فرض کرد بحای سقف مخروط که در آذربایجان در عهد سلاجقه معمولاً این قبیل انبیه را ملبوشانده است در اینجا گنبد سوومی وجود داشته است، نظر من این فرض درست نیست علی رغم اصطلاح عامه که آبراسه گنبد خوانده اند باید گفت سوومین گنبد این بقعه فقط عبارت از سقفی ساده بوده است

در جلو حای سه گنبد سه کتیبه کوفی هست، یکی بالای در، دیگری روی طاقها و سووم بر سر قاب مستطیل (تصویر ۹ + ۶) کتیبه آخر باین جمله ختم میشود
 هو شهر معرم نماین و خمسه ماله

پس این بنا معنای عهد سلجوقیان است و جزء انبیه مراغه باید قرار بگیرد یعنی باین تاریخ بنای بقعه مدور (۵۶۳) و گنبد کبود (۵۹۳) واقع شود. نکته عربی این است «وجود اینها در آن زمان استعمال تزیینات کاشی رواج داشته است (برای که بقعه مؤمنه جانور در حججوان در سنه ۵۸۲ ساخته شده) در این مقبره کوچکترین اثری

اردک آمیزی نعل نمیرسد. اما نکته دیگر هست که رفع استغراب میکنند حروف
حطوط و نقوش هندسی سه گانه را با سنگ ساخته‌اند و این دلیل است که معماران
عادت داشته‌اند بعضی قسمت‌های تزئینی را سبت موجودات متفاوت سازند، حال اگر
این اختلاف را با کاشی محکم نکرده‌اند چنانکه در مراغه یا بروجردان بوده‌اند سبب
این بوده که در اوره‌یته وسایل کار نداشته‌اند.

نوضیح دیگر هم میتوان داد؛ معمار ماهر ممکن است در عین اینکه الوان را
دوست ندارد از سادگی محض هم انختر از کشند و دلیل مهارت معمار این گنبدان است
که در برجی استوانه شکل قبلاً اخطافی مربع نموده کرده و بعد مجدداً مربع بنا را با تقابیر
معماری مبطل بدور کرده، آنگاه گنبد را بر آن افراشته‌اند. البته چنین استادی قادر
بوده است که موافق رسم زمان نقوش آجری بنا را تعمیر دهد ولی نه چندان که سببهای
بنا را عوض نماید.

حلوچین بنا دلزای تناسب کامل و نقوش بسیار زیباتر و ثابت میکند که در
معماری میتوان یک کار احصانه را با نهایت طرافت انجام داد.

آئینه شادان

مسجد جامع نیریز

ایران سرزمین دوام و ثناء و کشور حفظ و احترام آثار پیشینیان است. امروز در عهد سلطنت اعلیحضرت وصال شاه پهلوی مردم فرزندان خود را هنوز چشمپند و حسرو نام می‌دهند و هنوز از بعضی اذیت‌های صفوی اسلوب ساختمانی و تزئینات معماری قصور یاد در آن کمانان پدیدار است. ایوان بررگ که کداز مقتضات معماری ساسانی است اگر چه تا حنگ بهاولداریه بیان رفت ولی بروی در دوره سلجوقیان صورت مساجد چهار ایوان تجدید حیات نمود. نمونه قدیمترین مساجد ایران سملک مصر است که تا حال کشف شده است تازی خانه دامغان^۱ است. لکن طبعاً قبل از تازی خانه هم مساجدی که در ایران خلفاء عباسی در ولاد مهمه ایران ساخته می‌شده از اسلوب عربی پیروی می‌کرده است ولی نظر بمقتضای آن در باب شرافت ایرانیان حفظ آثار قدیم ذکر شد میتوان حدس زد که در ایوان امساجد را شکل ایوانهای ساسانی می‌ساخته و آنرا سمت قبله اسلامی متوجه می‌کرده اند.

همانطور که کمیته های روسی سنل تکلیفا شد در ایران هم تقاریر اجنه های قبل از اسلام دالظمع محل اجتماع مسلمانان گردید. این حدس را از دیر زمان می‌زدیم ولی دلیل محسوس برای اثبات فرض خود بیافزودیم. تا چندین پیش قدیمه رین مسجد ایران را مساجد شیراز و اصفهان و قرظین میدانستند و افسدم بر آنها پیروی کشف

۱ - برر در فارس است در جنوب شرقی شراد، مسجد جامع آنجا در ۴۹ ژویه ۱۹۲۲

(۹ مرداد ۱۳۱۲) دره هردت آثار ارضی به دست رسیده است.

۲ - رجوع شود بحاله صحابه طریقه در اسه مقاله آورده گمار جامع به ازی خانه دامغان دامغان

۱۹۳۴.

نگر دیده بود و هیچ وسیله برای حل مسئله فوق بدست نمی آمد، حتی شبستان های ستون دار مسجد جامع اصفهان را هم تقلیدی از اسلوب معماری عرب میدانستند که از عهد خواجه شهبان تازمان حاصر در ایران متداول بوده است. امروز ما چندین مسجد ایوانی می‌شناسیم که تاریخ آنها منقلم در دره سلجوقیان است، از آن جمله مسجد بربر را باید شمرد. در فرزند تعدادی این مسجد را مختصر تغییری داده و بقدری انبیه مختلف بآن افزوده اند که مسجد فعلی بی اندازه از صورت ایوانی خارج شده است (تصویر ۱۱۲ و ۱۱۳)، اما پس از تأمل میتوان بنای اصلی را از میان ساختمانهای ناشایسته دیگر تمیز و تشخیص داد.

در طرحی که از آن کشیده‌ام بنای اصلی را سیاه رنگ نموده ام (تصویر ۱۱۴). از ربع آب را بسهوات از روی (تصویر ۱۱۵) میتوان دریافت و بر آنکه سایر انبیه جدید در عکس پیدا نیست. ایوان دارای طاقی متصل و ساده است اما آماگهواره ای است که بنا بر اسلوب قرن چهارم اسلامی آنرا شکسته ساخته اند.

صالح پیشین ایوان سر تا پا بار است و صلح عقب را دیواری صحیم استه است که محراب را در آن ساخته اند. دو ضلع جنین هر يك دارای پنج طاقسمای عمیق بوده که فعلاً از صورت طاقسمای خارج و درهائی شمرده میشود که بطرفس ایوان بار را بگرداند.

۱ - بسترخ در کتب قلندر خلافت شرقی صفحه ۲۸۹ مینویسد «مفسر شرحی از مسجد سرر واقع در بارز ذکر میکند و در خرابه های آن امروز هم تاریخ ۳۴۰ (۹۵۱) را میتوان خواند» ، اما این تاریخ در حال حاضر در خرابه های مسجد بربر دیده میشود ، قدسیرین عددی که میتوان یافت ۲۶۳ است که سال بنای محراب عتس است ولی امکان دارد که اقدم بر آن هم تاریخ بوده و فعلاً از میان رفته باشد . صاحبهای ایران معمولاً چندین تاریخ را باین منهد که هر يك متعلق با بنام مفسر از آن بوده است ، مثلا سوازی که در مسجد شیخ طلف الله است از ۱۰۱۱ تا ۱۰۲۸ هجری است (۳-۲-۱۶۰۲ ، ۱۰۱۱-۱۶۱۸) و تاریخ های مسجد شاه اصفهان از ۱۰۲۵ تا ۱۰۴۰ هجری است (۷-۱۶۱۶ تا ۱۰-۱۶۳۰) در صورتیکه شاه عتس در سال ۱۰۲۱ هجری (۳-۱۶۱۲) امر بنای آن داده بود ، در آن سرکشته بزرگ سر در مسجد «در شاه اصفهان میریخت» در سال ۱۱۲۲ (۱-۱۷۱۰) باین رسیده ، اما باید دانست که این سال ختم سر در است ، در میان بنا تاریخهای دیگری که هر يك متعلق عتسی از بناست دیده میشود که از سال ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۶ هجری را برآورد (۲-۱۷۰۶ و ۵-۱۷۱۴)

در تصویر ۱۱۴ که طرح فعلی ایوان را نشان میدهد در پشت درها نقاط سیاهی رسم شده که بقایای دیوار قدیمی بوده که پشت طاقنها را مسدود میکردند است. این نقاط چون همه برای یک مقصود ساخته شده اند البته بایستی بلیک اندازه باشند، لیکن اختلاف بسیار در شکل آنها دیده میشود و از این جهت معلوم میگردد که در آغاز ساختمان مسجد این نقاط را ساخته اند بلکه بعد در نتیجه خرابی دیوار این قطعات بجای مانده است. از طرف دیگر وقتیکه قسمت داخل این قطعات را بشکریم معلوم میشود که در جاهای بعد آنها را آجر یا سنگ بطور غیر منظم مرتب کرده اند و از این جا ظاهراًست که صورت فعلی شکلی است که از مرتب های بعد پیداشده و در طرح قدیم مسجد چنانکه در تصویر ۱۱۶ نمایان است محای این تکیه گاههای بی تناسب و مختلف الشكل دیوار متصل و منتهی بوده است. ضخامت قطعات باقی مانده مذکور و این دیوار سر امر ایوان را بسته و پشت طاقنها را مسدود میکردند است. در زمانی از ارمه ای که خواسته اند فضای ایوان را وسعت دهند از دو جانب قسمت های الحاقی ساخته و بیخ طاقنها را سوراخ نموده صورت درهای فعلی در آورده اند و این نقطه های سبزه که از آن دیوار متصل قدیم باقی میباشد برای این است که خواسته اند تمام دیوار خراب شود و احتیاط را از دست نداده اند.

در نقشه من بناهای مختلفه ای که مروده شده همه زماناً بعد از ایوان ساخته شده اند و از حیث قدمت هم را یکدیگر مختلفند از لحاظ فنی و از جهت معماری چندین اهلیتی ندارند و همه از حشمت و گزل بدون زینتی مالا آمده اند، مگر مناره که از آجر است و دیوار مدخلها و بناهایی که بر صحن مشرفند از پوش الحاقی که همراه قشری است از آجر دارند، چون این ایوان قاعته بلند داشته فشار طاق موجب شده که شکافهایی در سقف پیدا شود. برای حفظ آن از خرابی در دو جانب تکیه گاههای جدیدی ساخته اند، قدیمترین آنها در تصاویر ۱۱۲ و ۱۱۳ دیده میشود. تکیه گاههای دیگر در تصویر ۱۱۲ پیدا است که در امتداد تکیه گاههای صلیبی واقع شده و تاریخ آنها قریب ۲۰ سال پیش است.

همه کتیبه ها در ضلع عقب ایوان جمع است یعنی در میان محراب و در اطراف آن (تصویر ۱۱۷) ، مهمترین آنها خطوطی است در میان محراب که در ضلع راست به نسبت تماشا کننده واقع گردیده است .

« تاریخ محراب اول فی سنة ثلث و ستین و ثلث مائة »

و « دوم فی سنة ستین و اربعمائة »

و « سوم فی سنة ستین و حسمائة مع السقب »

و « چهارم امر المولی شاد الملک والدوله ... عزه فی جمادی الثانیة » .

تاریخ محراب اول ۳۶۲ و تاریخ محراب دوم ۴۶۰ و تاریخ محراب سوم

۵۶۰ است و همین سال اخیر تاریخ مرمت نام مسجد است . محراب چهارم با امر مولی

عماد الملک والد [ولتة والدین] . در ماه جمادی الثانیة . ساخته شده . عدد سال

از میان رفته است زیرا که دو سطر اخیر چون مجاور بازمین بوده ضایع گشته و هنگام

نمبر در عوض خطوط نقوش هندسی جای داده اند

فایده مطالعه در نمای مسجد جامع میر بر کشف این نکته است که این مسجد

یکی از نمونه های خوبی است که استعمال سنگ معماری ساسانیان را در قرون اسلامی

نشان میدهد . من در این جا نقشه يك خانه را در حوالی بزد ضمیمه میکنم که ده

سال پیش بدست ساخته شده و عیناً جلوه اش شبیه طاق کسری است (تصویر ۱۱۸)

هختمین خسرو ۱۱۹ و ۱۲۰ خانه دیگری را در علاء برد یک سمنان نشان میدهد که در

۱۳۱۲ هجری شمسی وقتی که از آنجا میگذشتیم تازه ساختمانش پایان بررسید .

حالا صه در تمام ایران رخا که چوب برای پوشش سقف بدست دهقانان خانه

خود را با این سنگ طاق میزنند و در همه این ارضه ایوان ساسانی رطاق ساسانی و نمای

ساسانی آشکار و هویدا است . میتوان امثال و شواهد نامتناهی برای این مطلب ذکر

کرد . بنا بر این از عقل دور است که ما نمای تاری خانه داعمان را این دلیل ~~که~~

ستونهای بشکل ستونهای دوره ساسانی است متعلق بر مانی خیلی قدیم بدانیم .

آئینه گذار

منبر مسجد جامع محمدیه (یزد)

(تصویر ۱۲۱ - ۱۲۴)

اگر چه در این منبر نوشته‌ای دیده نمیشود ولی نقوشی که بر تخته های آن رسم شده نشان میدهد که متعلق بدوره‌ای از تاریخ صنایع ایران است که کمتر اثری از آن باقی است. در مسجد هم علائمی که مان و سبیله بتوان تاریخ منبر را معلوم کرد بنظر نمیرسد مگر يك تخته که دلالت بر قدمت بنا میکند و آن طاقه‌ای دالانی است که در دو طرف شبستان بزرگ جلو محراب، موازات دیوار قلمی زده اند و از يك سمت طاق دالانها بر همان دیوار قبلی نکرده دارد.

این سنگ بنا در دو مسجد دیگر از این قصبه نمایان است مخصوصاً در مسجد سر کوجه (که مشمول نشر کتیبات آن هشتم) و همچنین در مسجد معروف نائین که مسجد جامع نام دارد. بنا بر آنچه در محل مشهور است محدوده فعلی مکان قدیم شهر نائین است و امروز در سه کیلو متری مشرق آن افتاده است.

در حال حاضر این منبر دارای ۲۱ لوحه تمام یا ناقص است که ظاهراً متعلق بمنبر قدیمتری بوده است. چهار قسم نقش و نگار در آن نگار برده اند که هر قسم مربوط یکی از اضلاع لوحه است. در موقع جای دادن لوحه‌های قدیم در منبر فعلی حواشی کننده کاری اکثر آنها را بر داشته‌اند، چوب منبر که از جنس بسیار سنگین و فشرده میباشد در برابر هجوم حشرات پایداری کرده است. اگر بند این چوب را از نواحی سمینان می‌آورده اند، دو قطعه چوب طولانی منبر ظاهراً در زمان جدیدتری ساخته شده است.

کتابخانه سری من فعلاً اجاره نمیدهد که تطبیق کاملی میان نقوش این منبر

وسایر آثار قدیم بکنم، علاوه بر سندهای این سطور مدعی هستم که بتواند باین وسایل تاریخ آثار عتیقه ایران را در دوره اسلامی معین کند^۱، اما از تطبیق نقش این منبر با قطعه بالایی بکن منبر دیگر که در مصر کشف شده و فعلاً در برلین است نمیتوان خود داری کرد^۲، مشابیهتی که در میان این دو نقش از حیث اندازه و تزیین و طرح و کتفه کاری عمیق دیده میشود جالب توجه است. نظر این تشابه میان این منبر و قطعه فوقانی سر در مسجد الازهر قاهره موجود است، این سر در را بنام الحاکم (۴۰۰ هجری مطابق ۱۰۱۰ میلادی) ساخته اند و فعلاً در موزه عرب در قاهره است^۳ باید انتظار داشت که بعدها محققان از دانشمندان دقیق با مقایسه چنین نمونه از آثار قدیم ایران که دارای تاریخ معین باشند موفق شوند که کیفیت اساطیر تزیینات اسلامی و روابط آنها را با یکدیگر معلوم کنند و تازمائی که آن وسایل فراهم شده است هر بخشی که راجع به منبر محمدیه بکنیم جزء امور خیالی و شروح ادبی بشمار خواهد آمد.

اسهان - هیرون پمونت اسمیت

۱ - رجوع شود بشرحی که راجع به امامزاده کرآبرون نوشته ام و در صفحه آثار عتیقه ایران در روزنامه سال ۱۹۲۵ طبع شده است، جلد هشتم شماره ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۹۷۷ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۸۹ - ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۱ - ۱۰۰۲ - ۱۰۰۳ - ۱۰۰۴ - ۱۰۰۵ - ۱۰۰۶ - ۱۰۰۷ - ۱۰۰۸ - ۱۰۰۹ - ۱۰۱۰ - ۱۰۱۱ - ۱۰۱۲ - ۱۰۱۳ - ۱۰۱۴ - ۱۰۱۵ - ۱۰۱۶ - ۱۰۱۷ - ۱۰۱۸ - ۱۰۱۹ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۲ - ۱۰۲۳ - ۱۰۲۴ - ۱۰۲۵ - ۱۰۲۶ - ۱۰۲۷ - ۱۰۲۸ - ۱۰۲۹ - ۱۰۳۰ - ۱۰۳۱ - ۱۰۳۲ - ۱۰۳۳ - ۱۰۳۴ - ۱۰۳۵ - ۱۰۳۶ - ۱۰۳۷ - ۱۰۳۸ - ۱۰۳۹ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۱ - ۱۰۴۲ - ۱۰۴۳ - ۱۰۴۴ - ۱۰۴۵ - ۱۰۴۶ - ۱۰۴۷ - ۱۰۴۸ - ۱۰۴۹ - ۱۰۵۰ - ۱۰۵۱ - ۱۰۵۲ - ۱۰۵۳ - ۱۰۵۴ - ۱۰۵۵ - ۱۰۵۶ - ۱۰۵۷ - ۱۰۵۸ - ۱۰۵۹ - ۱۰۶۰ - ۱۰۶۱ - ۱۰۶۲ - ۱۰۶۳ - ۱۰۶۴ - ۱۰۶۵ - ۱۰۶۶ - ۱۰۶۷ - ۱۰۶۸ - ۱۰۶۹ - ۱۰۷۰ - ۱۰۷۱ - ۱۰۷۲ - ۱۰۷۳ - ۱۰۷۴ - ۱۰۷۵ - ۱۰۷۶ - ۱۰۷۷ - ۱۰۷۸ - ۱۰۷۹ - ۱۰۸۰ - ۱۰۸۱ - ۱۰۸۲ - ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴ - ۱۰۸۵ - ۱۰۸۶ - ۱۰۸۷ - ۱۰۸۸ - ۱۰۸۹ - ۱۰۹۰ - ۱۰۹۱ - ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳ - ۱۰۹۴ - ۱۰۹۵ - ۱۰۹۶ - ۱۰۹۷ - ۱۰۹۸ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۰ - ۱۱۰۱ - ۱۱۰۲ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۴ - ۱۱۰۵ - ۱۱۰۶ - ۱۱۰۷ - ۱۱۰۸ - ۱۱۰۹ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ - ۱۱۱۳ - ۱۱۱۴ - ۱۱۱۵ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۸ - ۱۱۱۹ - ۱۱۲۰ - ۱۱۲۱ - ۱۱۲۲ - ۱۱۲۳ - ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵ - ۱۱۲۶ - ۱۱۲۷ - ۱۱۲۸ - ۱۱۲۹ - ۱۱۳۰ - ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۳ - ۱۱۳۴ - ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶ - ۱۱۳۷ - ۱۱۳۸ - ۱۱۳۹ - ۱۱۴۰ - ۱۱۴۱ - ۱۱۴۲ - ۱۱۴۳ - ۱۱۴۴ - ۱۱۴۵ - ۱۱۴۶ - ۱۱۴۷ - ۱۱۴۸ - ۱۱۴۹ - ۱۱۵۰ - ۱۱۵۱ - ۱۱۵۲ - ۱۱۵۳ - ۱۱۵۴ - ۱۱۵۵ - ۱۱۵۶ - ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۵۹ - ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱ - ۱۱۶۲ - ۱۱۶۳ - ۱۱۶۴ - ۱۱۶۵ - ۱۱۶۶ - ۱۱۶۷ - ۱۱۶۸ - ۱۱۶۹ - ۱۱۷۰ - ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲ - ۱۱۷۳ - ۱۱۷۴ - ۱۱۷۵ - ۱۱۷۶ - ۱۱۷۷ - ۱۱۷۸ - ۱۱۷۹ - ۱۱۸۰ - ۱۱۸۱ - ۱۱۸۲ - ۱۱۸۳ - ۱۱۸۴ - ۱۱۸۵ - ۱۱۸۶ - ۱۱۸۷ - ۱۱۸۸ - ۱۱۸۹ - ۱۱۹۰ - ۱۱۹۱ - ۱۱۹۲ - ۱۱۹۳ - ۱۱۹۴ - ۱۱۹۵ - ۱۱۹۶ - ۱۱۹۷ - ۱۱۹۸ - ۱۱۹۹ - ۱۲۰۰ - ۱۲۰۱ - ۱۲۰۲ - ۱۲۰۳ - ۱۲۰۴ - ۱۲۰۵ - ۱۲۰۶ - ۱۲۰۷ - ۱۲۰۸ - ۱۲۰۹ - ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱ - ۱۲۱۲ - ۱۲۱۳ - ۱۲۱۴ - ۱۲۱۵ - ۱۲۱۶ - ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸ - ۱۲۱۹ - ۱۲۲۰ - ۱۲۲۱ - ۱۲۲۲ - ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴ - ۱۲۲۵ - ۱۲۲۶ - ۱۲۲۷ - ۱۲۲۸ - ۱۲۲۹ - ۱۲۳۰ - ۱۲۳۱ - ۱۲۳۲ - ۱۲۳۳ - ۱۲۳۴ - ۱۲۳۵ - ۱۲۳۶ - ۱۲۳۷ - ۱۲۳۸ - ۱۲۳۹ - ۱۲۴۰ - ۱۲۴۱ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۳ - ۱۲۴۴ - ۱۲۴۵ - ۱۲۴۶ - ۱۲۴۷ - ۱۲۴۸ - ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ - ۱۲۵۳ - ۱۲۵۴ - ۱۲۵۵ - ۱۲۵۶ - ۱۲۵۷ - ۱۲۵۸ - ۱۲۵۹ - ۱۲۶۰ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ - ۱۲۶۳ - ۱۲۶۴ - ۱۲۶۵ - ۱۲۶۶ - ۱۲۶۷ - ۱۲۶۸ - ۱۲۶۹ - ۱۲۷۰ - ۱۲۷۱ - ۱۲۷۲ - ۱۲۷۳ - ۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۷۷ - ۱۲۷۸ - ۱۲۷۹ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۱ - ۱۲۸۲ - ۱۲۸۳ - ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ - ۱۲۸۸ - ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۲ - ۱۲۹۳ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۷ - ۱۲۹۸ - ۱۲۹۹ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ - ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ - ۱۴۰۵ - ۱۴۰۶ - ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۱ - ۱

یادداشت

کاشی مشکول ستاره هشت پر (تصویر ۱۲۵) مطابق نقاشی آب و رنگ
(ای. گ. اسیموف) متعلق به موزه طهران ، ارفزورین آمده است . عرض آن از پوزه ای
انپوزه دیگر ۰/۲۰۵ متر . در حاشیه کنار آن کتیبه ای بخط نسخ موجود است .
متن این کتیبه نمره ۳۳

- « ای دل همه ساله در خدمت بنم »
- « در کوی وصال مستمند بنم »
- « شرمت باید همیشه عاشق باشی »
- « رسوا شده پیش خلق چندت بنم »
- « فی سینه نمایی و سقاچه »

بشقاب کاشی طلائعی کم رنگ

منتهلق باوایل قرن سیزدهم

بر اشیاء هوزة طهرانی

مکشفه در خوار

قطر آن ۵/۴ متر

بشدت این بشقاب ربا آبی لاجوردی است . کتیبه مدوری دارد بخط نسخ ا

رنگ کتیبه سیاه و مضمون آن اینست

« مقام المعز الدائم والاقبال الراءد والنصر المالی و الفز القايم والمجد المساعده » .

طرف کاشی بشکل مرغ باسر انسان (شکل ۲۷) مطابق نقاشی آب و رنگ
ای. رگرا میخوف) ارتفاعش ۰/۱۸ ، تاریخش قرن ۱۳ ، متعلق به موزه طهران
مکتوبه در ری .

فهرست اسما، رجال و اماکن و طوائف

(ف) در دناه اعداد اشاره به (شماره) صفحات است

أرفو ۳۳۰، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۹۴، ۳۱۰، ۳۱۰

۳۷

أرفوه: ۲۳۳

أركوه (- ولایت برد) ۳۳

أمن أیزر ۵۲۶، ۵۶۶

أمن اسه سدیار ۵۰، ۵۰

أمن سطوطه ۶۴، ۶۴

أوجعمر (اسمه سندن وندون نوس)

۵۱، ۵۰

أوسعید (مدرخان) ۴۱، ۲۲، ۲۸

۳۵، ۳۳، ۶۴، ۶۵، ۶۷

أوسعید (خواجگه عات الدین امره عید)

۶۶ (دشمنی)

أوعلی (العس رن القوا) ۲۶، ۲۸

أوالحسن (ملقبه باندرالزمان نقاش بند)

آدرسا) ۷، ۱۱

أوالخوارزم (رجوع شود به کیا)

أوه، صوره (رجوع شود به طهره دانش در امر)

آ

آثار ایران (رساله) ۴

آذربایجان ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۷، ۵۷، ۶۹، ۶۹

۶۹

آسیا ۳۳، ۶۰

آسیای مرآتوی: ۶۰، ۶۰

آق مسفر ۵۷، ۶۴

آلمر (- موره Albert) ۷، ۷

آل دیار ۵۰

آلمر و دیوانه اشتارینی (Ambrosio Caparini)

سوم و بیسم) ۳۲

آمل ۵۰

آمویه ۵۹

آند، کتار (میر اندر عشقات ایران)

(Andar Cindard) ۳، ۴، ۳۶، ۳۶، ۳۳

۷۰، ۷۱، ۷۴

آفاقان ۶۰

- ای بکر (= معتمد) : ۲۹۰
- ای عالی هر اوسپه (= عس المندوله) : ۲۵
- ۴۳، ۴۲، ۲۶
- ایانک (= پهلوان) : ۵۷
- احمد رازی : ۳۴
- احمد بیل (= ابن ابراهیم و مسودان الرواسی)
- الگردی : ۵۷
- احمد بیلی : ۵۷، ۵۷
- اراضه : ۶۰
- ارستان (= شهر) : ۳۵، ۳۲
- ارغون : ۲۱، ۲۰، ۱۹
- ارمنی : ۶۰
- اربی (M. Erni géologue) : ۴۷
- اروپا : ۲۴، ۱۸، ۷
- ارویائی : ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵
- اسپهبدان : ۵۰
- استخر (= شهر) : ۲۳
- استخواند (= قلعه) : ۲۶
- اسلام : ۲۰، ۱۷، ۱۶
- اسلامبول (= سموره) : ۶۳
- اسمعیلی (= تودمان) : ۵۱
- اسمه بلیان : ۵۷
- اشکور (= شکور - سکور) : ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲
- اصهان : ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳
- ۷۶، ۷۱
- افریقا : ۳۳
- افغانها : ۲۳، ۲۲
- افلاطون : ۵۱، ۴۸
- افوشته : ۵۰، ۳۵
- اکاتان (= ممدان) : ۷۱
- اکمر (= شاه) : ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷
- ۱۷، ۱۳، ۱۲
- اکمرنامه (= کتاب) : ۱۱
- اکمری (= دربار) : ۱۰
- اکمرمه (= سده) : ۸
- الک ارسلان : ۵۰
- الحاکم : ۷۶
- الحسن (= ابن - حاجی معتمد مشهور بغدادی) : ۲۸
- الحسن (= ابن انصاحب الاعظم) : ۲۹
- الحسن (= ابن علی) : ۵۰
- الحسین المناستری : ۴۹، ۳۹
- الحراقی (= معتمد ابن العرج) : ۲۷
- الحسن (= الامار) : ۵۶
- احمد بندهور (= رجوع شود به بدور)
- احمد بن ابدین ابرقوئی (= حاجی ، ابن الحسن
- ابن حاجی معتمد ابن احمد
- السنه مرآة) : ۲۸
- ادار (= شهر) : ۳۴
- اوردلی (= وادی) : ۳

دائرة نامه (= کتاب) ، ۱۹۰۱ ، ۱۹۰۲	اورسته (= زمانه) : ۷۰ ، ۹۹
باحثی ۳۳	اولیادینو (= شناسه) : ۱۹ ، ۲۲ ، ۳۵ ، ۴۴
باربییه دوینار (Barbier de Meynard) : ۲۸	۶۲ ، ۶۴ ، ۶۵
باغ امام ۳۵	اونگ جان ۵۹
باو ۵۰۰	اوبغوری ۲۹
باوندی (= طایفه) : ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳	ایران : ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۹ ، ۲۲ ، ۲۴ ، ۲۵
بایقرا (= سلطان حسین) : ۱۶۶	۲۴ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۲ ، ۳۳
بحر خزر ۴۷	۳۳ ، ۳۵ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۷ ، ۴۸
بختیاری ۴۷	۴۹ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۲
بران (= شهر) : ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸	۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۶۹
برون (E.G. Browne) : ۲۹ ، ۳۳ ، ۵۰ ، ۶۶	۶۹ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۶
تزون ۷۶	۷۶
سوم ۳۳	ایرانی : ۵ ، ۸ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۸ ، ۳۹ ، ۴۴
شتاسف (رجوع شود به گشتاسف)	۵۴ ، ۷۶
شداس (= نقاش) : ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸	ایرانیان ۲ ، ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۹
عداد : ۲۸ ، ۲۸ ، ۳۹	ایروس (W. Irvine) : ۵۹
تعمه مدور ۶۹	ایلیخان ۶۰ ، ۶۴
اکتیمور ۶۹	ایلیخان (طایفه) : ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲
بلاذ دشت : ۳۴	ایلیگور (انگ) : ۵۷ ، ۵۹
بلغ ۶۵	ایل ملک ۶۳ ، ۶۴
بدرگز : ۴۷	ایوان ساندنی ۷۳ ، ۷۴
بودائی : ۵۹ ، ۶۰	
بوکسندری (M. Buxdorf géologue) : ۲۷	ب
بولاد (Bilad) : ۲۰	دائرة : ۱۶ ، ۱۵

ت

- تاریخ طبرستان (- تألیف محمّد بن الحسن ابن اسمعیل) . ۲۶۶ ز
 تاریخنامه (در دامغان) ۱۷۶، ۲۶۹، ۲۷۴
 تاورنییه (Tavernier) . ۳۳
 تهریر (- شهر) . ۲۳، ۳۹، ۵۷، ۶۰، ۶۵، ۶۶

۶۶

- ترسانان . ۵۹
 ترکان ۲۴، ۶۰
 ترکیه ۴۷
 تزوک جهانگیری (کتاب) . ۱۰، ۱۰۱
 ۵۱۲، ۵۱۱
 تورسیرک . ۵۲۶
 تولوی جان . ۵۹
 توماس هربرت (Thomas Herbert) . ۳۲
 ۳۳
 تاجور (- امر) . ۲۴
 تاجور نامه (- کتاب) . ۱۱

ج

- جامی (- مولانا محمد باقر حسن) ۱۵، ۱۶
 جلال الدین (- خواجہ) . ۶۶
 جلال الدین (- عید، طواری) . ۳۴
 جغتید (- شاه پیشدادی) ۳۴، ۶۸، ۷۱

بها در جان (رجوع شود به اسامید) .

- بهرام ۶۸
 بزراد (= تاج) ۶۵، ۶۶، ۶۹
 بدت المقدس ۶۳، ۶۴
 بی ای ۱۱۵ (ملکه خاتون) : ۲۹، ۳۹

پ

- پادشاهان ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۶
 پاراکاد ۶۰
 پارتالیان ۲۵
 پیرو (Perrot) . ۳۵
 پرتویر (خاورانه) ۶۷
 پکن (شهر) . ۲۲
 پول پیلو (Paul Pelliot) ۲۲
 پیتر و دلاوال (Pietro della Valle) ۸
 ۵۸، ۶۵
 پیر المیران ۲۷، ۳۷
 پیر حمزه (سردوش) ۲۶، ۲۷، ۳۶، ۳۷
 پیشدادی (سلسله) : ۳۴
 پیغمبر (- حضرت رسول ص) ۱۵
 پهلوی (- املاک سرماشاه) ۷۱
 پهلوی (- خط) ۴۷، ۴۹، ۵۲
 ۵۳

حکمت (= حجاب آفتاب علی امیر رؤیر معارف
 و ادقاف و صنایع مستظرفه) ۴۲
 حمد الله - توفی قزوینی ۳۲۰۲۸۰۲۳
 ۵۶۶۶۶۵۰۳۴
 حمزه (عقده حضرت پیر مریم) ۲۵

خ

خاتون آبادی (ع. آبادی) : ۲۹
 خان اورتمه ۳۱۰۲۸
 خان عالم (- - - غیر حکیم) ۱۲
 خانیکوف (N de Khanikoff) ۵۴۷
 خداشنده (رجوع شونده انبیا تو) :
 خدیجه سلطان (ع. شمس ملام) : ۴۹
 خراسان : ۵۴۷
 خرم (- - - شاعرانه) ۱۷۱۶۲۰۸
 خسرو ۷۱۰
 خسرو پرویز ۵۵۰
 خلعاء عثمانی ۶۷۱
 خلیج فارس ۰۲۳
 خمسه نظامی ۱۳
 حواجه نجم الدین (- - - معبود) ۰۴۵
 حواری ۷۸
 حوزستان ۵۲۳
 حیام (- - -) ۶۸۰۶۸

حیا انگیر (= شام) : ۱۱۱۶۰۴۹۰۸۰۷۱۶۲۵
 ۱۸۰۱۷۰۱۶۰۱۵۱۴۰۱۳۰۱۲
 حیا انگیر (- - - آلبو) : ۱۱۰۶
 حیا انگیری (نرمان) : ۱۲
 حیا انگیر نامه (کتاب) : ۱۱

چ

چنگیز خان : ۲۰
 چوگاندار (کتاب) : ۵۶۳۰۵۶۳۰۵۶۳
 چین ۶۵۰۵۳۴۱۲۳۰۲۲۰۸
 چینی ۲۱
 چینی (نهر) : ۲۲۰۲۰۰
 چینیان : ۲۱

ح

حسام الدوله (شاعران فارسی) : ۵۱۰۵۵۰
 حسن الحسینی (- - -) : ۴۵۰۳۵
 حسن (- - - السند) : ۴۶
 حسن بن روحان (بدر نصر) : ۲۶
 حسن بن ابیخسرو : ۳۹۰۲۹
 حسن بن محمد حسن قوی (مؤلف) :
 تاریخ (م) : ۳۴
 حسن (روح شونده نابتر) :
 حسین ابن علی نقی (اسناد) : ۴۵۰

قوچان (=شهر) ۴۴۲،

قوی برج . ۶۹، ۶۸،

قهرود: ۳۵، ۳۳،

ک

کابل (=شهر) ۴۵،

کاترمر (Quatremer) ۵۹،

کاسپینا (Caspia) : ۴۷،

کاشان (=شهر) : ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۱، ۶۵،

کاکوه: ۲۶،

کایوس . ۵۰،

کزار (=امامزاده برو) . ۷۶،

کرایت : ۵۹،

کریپورتر (Ker Porter) : ۳۳،

کرکس (=کوه) . ۳۲،

کرمان (=شهر) . ۲۳، ۶۵،

کمت (Coste) : ۳۳،

کده ۳۳،

کلودا، (Claude Anet) ۶۸،

کمرت (=قلعه) ۳۴،

کوردهس (=قاش، Kurdeban) ۱۲،

کوروس : ۶۰،

کراش (رجوع شود به الحسن) .

کراش بند: ۳۶، ۳۵،

کراسه: ۵۴، ۵۶، ۷۹،

کریک: ۶۵،

کلاندرن (Flandin) . ۳۳، ۳۵،

کیروزان: ۲۵،

کیروزکوه: ۴۸،

خیلیپ لوئل (Philippe le Bel) ۱۹۹، ۲۰،

۲۲،

ق

قاپوس بن وشمه کبیر: ۲۶، ۵۰، ۵۱، ۵۳،

قاجاریه: ۳۵،

قارن بن سرخاب: ۵۰، ۱۰۱،

قاهره: ۶۴، ۶۶، ۷۶،

قراستقر: ۶۴، ۶۶، ۶۷،

قرآن ۵۶، ۵۹،

قرویس (=شهر) ۲۷، ۶۵، ۷۱، ۷۷،

قطنطین: ۶۰،

قلاوون: ۶۴،

قم (=شهر): ۳۴، ۳۵، ۴۱،

قوام آذربایجان (تف ابوالعز صد العزیز بن

محمود) ۵۶، ۵۷،

مرآتی اعظم (== سید حسن العسینی) : ۴۵۰
 مرزبان (== پسر مادره جد الدوله) : ۴۳۶
 مریم (== مادر حضرت عیسی) : ۴۷
 مریم (== دختر میکائیل یا ثولوکوس امیر اطولز).

۴۹۰

مسجد افوشته : ۴۵۰
 مسجد الارهر (در قاهره) : ۴۷۹
 مسجد جامع (در ابرنو) : ۳۱، ۳۲، ۳۳
 مسجد جامع (در اصفهان) : ۳۷۲، ۳۷۳
 مسجد جامع (در بانیس) : ۴۷۵
 مسجد جامع (در تبریز) : ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴
 = ۷۴، ۷۵، ۷۶
 مسجد جامع (در ورآمین) : ۴۰، ۴۱
 مسجد جامع معتدیه (در روم شونده سر مسجد جامع معتدیه) :
 مسجد جمعه (در عسکر) : ۳۷، ۳۸
 مسجد جمعه (در مابوند) : ۵۲
 مسجد سر کوچه : ۷۵
 مسجد شاه (در اصفهان) : ۵۲
 مسجد شیخ لطف الله : ۵۲
 مسجد عتیق (در اردبیل) : ۳۹
 مسجد کوچک مبارک : ۳۹، ۴۰
 مسجد مادر شاه (در اصفهان) : ۵۲
 مسجد عیدان (در کاشان) : ۴۱

مجنون : ۱۱
 محشم کاشانی (- صاحب مرآتی معروف) :

۴۹۴

محللات : ۳۴

محمد : ۶۷، ۶۸

محمد (- حضرت یحیی ص) : ۵۲، ۵۳

محمد (سیراء ان) : ۳۸

محمد بن ابی الفرج (در روم شونده العراقی) :

محمد بن ابی علی : ۴۳

محمد بن قلاوون : ۶۴

محمد بن الحسن بن اسفندیار (- مؤلف تاریخ

طبرستان) : ۵۲

محمد خوارزمشاه (- سلطان) : ۵۰

محمد به (رجوع شونده مسجد جامع معتدیه) :

محمد (رجوع شونده خواجگه امامت) :

حمود امان : ۴۵

حمود غزنوی : ۳۶

مدرسه حیدریه (در قزوین) : ۲۷

مدرسه عفتاریه : ۶۲

مدرسه قرآنی معتدیه : ۶۴

مدرسه المذکبیه : ۶۳

مراغه (== مرادات) : ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷

۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰

۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴

۷۰

بدا آ. گندار (تسمایم Veda A. Godard)

۴۳۵۲۱۸

یزد (- شهر) : ۳۳، ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۴

۴۷۵، ۷۴، ۶۵، ۳۵

یزدناوست: ۴۳۴

یوستی (مؤلف کتاب نامه‌های ایرانی) : ۴۳۵

هندی: ۲۱۷، ۱۲، ۶، ۵

هندیان: ۹

هولاکو: ۶، ۱، ۶، ۵، ۵، ۸، ۵، ۶

ی

یاقوت: ۳۳۰

یحیی (— امان‌الله در ورامین) : ۴۱

این فهرست اسمایی آقای مهدی آگابائی
صاویز و مصحح مطبوعه مطبعه توبه و تنظیم
گرفتند و رخدانشان مورد امان است .

عَلَط نامہ

صفا	سطر	عَلَط	صحیح
۳۰	۹	بسا	صیار
۳۴	۹	نظر	نظر
۴۷	۱	ریشک	ریشک
۵۰	۹	(از ۳۹۷-۴۲۶)	(از ۳۹۷-۴۶۶)
۶۳	۲۳	ایک ملک	ایار ملک

فهرست مندرجات

۲	آغاز
۳	دیباچه
۵	حاشیه های مرقع گلشن (بیدار آ. گدار) حواشی آثارنا حواشی نونت
۱۹	اسناد مغولی در موزه طهران (پل پلجو)
۲۳	ابركوه (آ. گدار) كسد علی مزار پیر حیره سبروش مسجد جامع مرز معروف به طاروس
۳۲	تظنیر (آ. گدار) شای دوره ساسانی مسجد کویچه میر مسجد جمه درهای مسجد آموخته
۴۷	مرح های لاجیم و ریمکت (آ. گدار)
۵۴	تکمیلہ راجع بہ زارات مرآقه (آ. گدار) گنبد سرخ مزار مدور مجاور گنبد سرخ گنبد کوه گنبد خرابه قوی برح
۶۹	ضمیمه
۷۱	مسجد جامع نیریز (آ. گدار)
۷۵	منبر مسجد جامع محمدیه (مایرون نمناک اسمیت)
۷۷	یادداشت
۸۱	فهرست اسماء رجال و اماکن و طوائف
۹۵	عللنامه